



مطبعه و اداره خانه اختر

در راسته بابعالی است نمرة ۲۵
درکارهای متعلق بداره به آقا محمد طاهر
رجوع میشود.

اسامی وکلای کرام در ممالک دور و نزدیک
گاهی در صفحه آخرین نکاشته خواهد شد.
روز پنجشنبه ۲۸ ذی الحجه سنه ۱۲۹۷
۲۰ تشرین ثانی رومی و ۲ ماه دیسامبر ۱۸۸۰

تعرفه بدلات سالیانه

دارالسعادة اسلامبول ۰۳ مجیدی سیم
دیگر ممالک محروسه عثمانیه ۷۵ فروش صاغ
ممالک محروسه ایران ۲۵ قران
ممالک هندوستان و بنادر ۱۵ روپی نقره
ممالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی
ممالک اروپ و عربستان ۲۵ فرانک
یک نسخه ۶۰ پاره است
اجرت پوست همه جابجاءه اداره است.

این نامه از هرگونه وقایع و اخبار و از سیاسیات و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن می گوید.
هفته یکبار طبع می شود.
اوراق
نوشجات سودمند را بامتنان می پذیرد.
در نوشتن کاغذهایی که از خارج میرسد اداره آزاد است.
کاغذی را که نوشته نمی شود
صاحبش نباید استرداد بکند.
کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول نخواهد شد.

تکرارها

از اتن ۲۲ ذی حجه مسبودوینی
البلجی فرانسه دیروز صبحی بانجا وارد گردیده
طرف مغرب با (مسبو کو موندروس) رئیس
وکلای ووزیر خارجیة یونان ملاقات نموده است.

عساکر حاضر یونان عبارت از پنجاه و پنج هزار
نفر است. عساکر نظامی دولت عثمانی
که در موقع (دومکه) اقامت دارند چهار هزار
و هشتصد نفر است.

از لندن ایضاً در مجلس وکلا که دیشب
انعقاد یافته بود قرار داده شد که اجتماع مجلس
پارلمنت تا ابتدای ماه کاؤن ثانی آئینده تاخیر
بشود.

از پاریس ۲۲ ذی حجه در اجتماع
امروزی محکمه بدایت (مسبو لسان) صاحب
امتیاز اخبارنامه (پتی پاریسین) که از اعضای
مجلس مبعوثان فرانسه است و (میشیور و سفور)
مدیر اخبارنامه (انترسینان) هر یک بدادن چهار
هزار فرانک جزای نقدی و هشت هزار فرانک تضمینات
محکوم شده اند. سبب این محکومی بجهت تهمت
بوده است که در باره (جنرال سیس) نوشته
بوده اند.

از لندن ۲۵ ذی حجه اخبارنامه
دیلی نیوز میگوید مسبو کلاستون در باب
یرکشتن کشتیهای مختلط اروپ که در حوالی

(اولکون) هستند دولتهای اروپ را استزاج
نموده است.

از لندن ۲۴ ذی حجه لورد کرانویل
وزیر خارجیة انگلستان دیروز در (هنلید)
خطابه خوانده ضمناً اظهار داشته است که
مناسبات دوستانه در میان دولتین روس و انگلیس
بطور فوق العاده است. پس از آن از وضع
پولیتیک خارجیة سخن بیان آورده گفته است.
دولت انگلیس برای نگاهداری اتحاد و اتفاق اروپ
اقدامات کافی بکار خواهد برد. ولی در اینباب
موافق قاعده آزادی که لائق شأن و اعتبار
انگلستان است رفتار خواهد نمود.

بعد از آن لو رد مشارالیه در باره مسلمانان
بلغارستان اظهار داشته است که ۱۰ از جانب
دولتهای اروپ بحکومت بلغارستان یاد آوری
و سپارش شده بود در حق مسلمانان بعدالت و انصاف
حرکت بشود و از این بیانات اروپ نتایج خوب
حاصل شده است.

از بکرس ایضاً از جانب حکمران
رومانیا (پرنس لیوپولد هوهنزولرن) که برادرشان
است بطور رسمی بولیهدی حکومت مشارالیه
اعلان شده است.

ولیهده مشارالیه انتخابنامه را که در چهار
دهم تشرین ثانی بامضا و تصدیق رسیده بود تسلیم
گرفته است.

از پاریس ۲۳ ذی حجه اعلاننامه را
که در ذیل نوشته میشود در پاریس بطور رسمی
انتشار داده شده است.

بانک (صرافخانه) عثمانی و بانکهای
(پاریس) و (فلنک) و (بلجیک) و (بانک دسکونت)
و (کونتوارد سکونت) و (کره دی لیونه)
و (کره دی موبلیه) و (سوسیته دهبه و قوت
قوران) و (کره دی اندوستریل) و (سوسیته
ژرال) بموجب نوت آخری بابعالی برای تسهیل
کارهای صاحبان اسناد عثمانی اینگونه قرارداد
اند که سندات مختلف عثمانی از جانب بانکهای
مذکور پذیرفته شده اجرای تصدیق در باره
سندات و در احیان اسناد بعمل آورده خواهد شد.
موافق سندات مذکوره از جانب بانکها برای
صاحبان اسناد در باب داخل شدن بمجلس عمومی
سندات که متصور است در این نزدیکی منعقد بشود
رخصتنامه توزیع خواهد گردید.

از بکرس ۲۳ ذی حجه بمناسبت
باز شدن مجالس اعیان و مبعوثان رومانی پرنس
شارل حکمران رومانی خطابه خوانده ضمناً بیان
نموده است که استقلال حکومت رومانی
از جانب همه دولتها تصدیق و پذیرفته شده است
حکومت رومانی منافع خود را که در رودخانه
طونه دارد بموجب معاهدات حاضر نگاهداری
خواهد نمود. خدمت عسکری امسال بناچار
بموقع اجرا گذاشته شده تاکنون بقدرسی هزار
نفر تازه بزر سلاح آورده شده است.
ومدیر جنگ در باب قوت عسکری مملکت نظامنامه
تنسیقات تازه بمجلس مبعوثان خواهد داد که
در آنجا ملاحظه و مذاکره و تصدیق شود. پس
از آن در باره ولیهده رومانی که تازه مقرر شده است
ولیهدهی مومی الیه اعلان شود سخن بپایان

آورده گفته است که این قهره نیز بزودی انجام خواهد یافت . علاوه بر اینها در پایان خطابه آورده است که . از حرکات مقلانۀ دولتهای اروپا بختل شدن اساس صلح و آسایش در اروپا بوجهی مأمول نیست .

✽ از پاریس ۲۵ ذی حجه ✽ اخبارنامۀ (تان) بمناسبت طبع و نشر کتاب (زرد) دولتی فرانسه مقالۀ نوشته در آن ضمن میگوید . (مسیو فرسینه) رئیس وزرای سابق فرانسه تمیخواست بر ضد دولت عثمانی بحرکات خصمانه اقدام بشود . ولی هنگامیکه از نتیجۀ نمایش بحری امیدواری داشت میخواست که مسئلۀ حدود قرطاج را بانفاق قهره حدود یونان بیکجا انجام داده شود و در اینباب اقدامات نیز بکار میبرد . ولی چون اتفاق اروپا هیچوقت بطور صمیمی و جدی نبوده است لهذا هیچ دولت آرزومند این نیست که قهره نمایش بحری دوباره تجدید شود .

✽ از راکوزه ایضاً ✽ جناب درویش پاشا در سرحد تازه چند دسته از عساکر شاهانه را گذاشته خودشان دیروز باشقودره برگشته اند . از قهره تسلیم (اولکون) که بطور صلح و مسالمت انجام داده شد قونسلهای دولتهای بزرگ را رسماً اطلاع داده است .

✽ از روم ایضاً ✽ مسیو کارولی رئیس وزرای دولت ایتالیا در مجلس مبعوثان در جواب سؤالی گفته است که . دریاب مسئلۀ اولکون که قهره تسلیم آن بدون اشکالات بزرگ و خونریزی بهمت دیپلوسیا بعمل آمده در حقیقت آنان مستحق ستایش و آفرین هستند .

(تلکرافنامها ایست که در اخبارنامهای اروپا دیده شده است)

اخبارنامۀ (ذیلی نوز) بموجب تلکرافنامۀ طهران مورخ ۲۰ ماه نوامبر (مطابق ۱۶ ذی حجه) میگوید . عساکر ایران در اطراف (ساوجبلاغ) و (لاهیجان) دهات آکراد را خراب نموده اند . رؤسای دهات و عشایر بموقع (سردشت) که در مسافت پنجاه میل از ساوجبلاغ بآن طرف واقع است فرار نموده اند .

نیر اخبارنامۀ مذکور بموجب تلکرافنامۀ دیگر مورخ ۱۷ ذی حجه مینویسد . لشکر ایران قریۀ (اندرقلش) را که جزو آقا بادو هزار کرد در آنجا محض شده اند میخواهند بتوپ به بندند عساکر ایران برخلاف دستورالعمل صاحب منصبان خودشان در اطراف شهر ویران بیست و پنج پارچه دهات را ویران نموده اند .

بقدر هفتصد سوار شاهسون و هشتصد سوار قراپایای ایران بقریۀ (شنوی) که تحصنکاه عبدالقادر پسر شیخ است یورش برده از طرفین تلفات کلی بوقوع رسیده است .

بقدر یک هزار و پانصد نفر از آکراد (هموند) در اطراف (ذهاب) بروی فرقه از عساکر تازه ایران حمله برده اند عساکر مذکور از آنان مدافعه میکنند .

بموجب تلکرافنامۀ قبر بس مورخ ۱۶ ذی حجه مینویسند . امروز از جریده قبر بس بقدر یکصد نفر عساکر را طلب و دو بیست و پنجاه راس استر بارکش بیوانستان فرستاده شد . از جمله دو بیست و پنجاه راس استر یکصد و پنجاه راس از جانب ملت روم قبر بس بطور هدیه بدولت یونان داده شده است .

داخلیه

بموجب خبرهایی که از جانب حجاز مفترط طراز رسیده است جمعیت زوار و حاجیان بیت اه الحرام نسبت بسالهای پیش خیلی بیشتر بوده است عدد حجاج ذویالابتهاج را بقدر یکصد و بیست هزار نوشته اند . این یکی بموجب افتخار عموم مسلمانان است . خداوند سبحانه قاصدان آئخانۀ مقدس را بزیارت مقبوله و سلامتی باوطن خودشان برگرداند .

در هنگام داخل شدن جناب دولتآب درویش پاشا باولکون زد و خورد بسیار مختصری

در میان عساکر شاهانه و ارناؤدها واقع شده بود اخبارنامهای خارجه این مصادمۀ مختصر را شرح و بسط داده بمنتهای درجۀ مبالغه کوی رسانیده بودند . ولی بموجب خبرهای موثق درجین دخول جناب پاشای مشارالیه بآنجا فرقه از ارناؤدها پای ممانعت پیش گذاشته پس از زد و خورد مختصری باز عقب کشیده اند و در این هنگامه از طرفین بقدر چهل نفر زحدار و مقتول گردیده است .

اخبارنامۀ (استانبول) بموجب کاغذ ضرورم میگوید . بیحیة بستن راه تجاوز و تعرض شورشیان آکراد که از سمت ایران فرار میکنند در سمت وان بجمع آوری عساکر شاهانه اقدام شده است .

عساکر مذکور عبارت از سی و دودسته و هردسته اش دارای سیصد نفر یعنی چهار هزار و ششصد نفر خواهد شد . از آنجمله شش دسته در موقع (درسم) و بیست دسته در (ران) و شش دسته در (بایزید) و ارض ضرورم و طربزون بوده است .

بموجب اطلاعاتی که از جانب حکمران قره طماغ بیابغالی رسیده است کسانی که از مسلمانان در زیر توقیف حکومت قره طماغ بوده اند بموجب دستورالعمل حکمران مشارالیه همه آنها را از حبس رهایی داده شده است .

جناب سفیر اوستریا از چند روز باینطرف ناخوشی مزاج داشته اند لهذا کارهای سفارت را (بارون قوتچک) مستشار سفارت مشارالیه بوکالت تمثیلت میداده است .

شب دوشنبه آئندۀ در سفارتخانۀ اوستریا بحضرات وکلای فحام و بعضی از مشیران عظام را یک مهمانی بزرگ داده خواهد شد .

از قرار خبرهای تلکرافی آخری معلوم میشود

دولت عثمانی را که بمواقع جنگ فرستاده میشد در دوش خودشان میکشیدند که این یکی را هم مأمورین عثمانی که در آنصفحات بودند میداند و برای العین مشاهده نموده اند .

گویا جریده خبر ندارد از اینکه در عین شدت جنگ از تبریز چه قدر آذوقه و سایر لوازم باردوی عثمانی میرسید این قهره را جنایه دولتمآب اسماعیل پاشا مشیر اردوی همایون خاصه و جناب احمد مختار پاشای غازی که آنوقت در سمعت ارضروم سمت کوماندانی داشتند بهتر میدانند .

یا اینکه مرام جریده از نوشتن این لفظ یا آوری قهره سر بازی جمعیت انبوهی از ایرانیان است که در هنگام جنگ بطوردا و طلب بدون هیچگونه طمع و چشم داشت محض بسائقه غیرت مسلمانی گروه گروه دسته دسته بعزم جهاد راه جنگ پیوده در کوهها و بیابانهای روم ایلی و صربستان و قهره طاع جان در باختند و جنایه معین الملک سفیر کبیر ایران دانسته و فهمیده از منع آنان اغماض نظر میفرمودند و تا کنون بنده و سایر ایرانیان بملاحظات چند نمیخواستیم این قهره در روزنامهها طبع و نشر بشود چون نویسنده جریده در باب تکرار و تجدید این کلمه بی معنی پیروزی را از حد گذرانید ناچار شمه از اینقولات را که چندان محذور سیاسی نداشت نوشتم و بس از اینگونه مطالب هست که میدانم و نوشتم نمیتوانم .

بنده محرر جریده را شخصاً نمیشناسم ولی از نوشجات و سخنان او پایه فهم و مایه معرفت و اطلاعات و آگاهی من معلوم است و دیده بشود که در راه تعصب بی جا از نوشتن هیچگونه دور و غیره و افترا پرهیز نمیکند و این عار را برای خود افتخار میدانند حیث است از عالم مطبوعات که نام این بدنام کننده نیکونامی چند در جرناساهی خدمت کنندگان آن ثبت گردد .

سبحاناه در باره اشقیای اکراد مکر (اختر) بیش از یک سخن راست گفت که آن نیز جهانیان را معلوم بود که همان یک سخن راست آن موجب اینهمه حدت و شدت محررین بعضی اخبار نامه های این پای تخت گردید . اختر کدام سر رشت بود بدست اخبار نویسان پیکانه داد بغیر از اینکه در شرح حال شیخ عبیده او را ظالم و ستم

دیدن والی رفته بود بکمال تمنع و افتخار روی خطاب بمومی الیه نموده گفته بود که کیفیت طفل را باباعالی اطلاع دادید باباعالی بمن چه میتواند بکنند من در اینجا بعبارت ترکی گفته بود (باباعالی بی صلاح) بجهت قبیح بودن این کلمه نمیخواهم ترجمه نمایم . بالینکه والی مشارالیه خودشانرا از عقل عقلای زمان میدانند . وقتی شخص اول دولت شد . رئیس مجلس مبعوثانش هم کردید .

ورقه

جناب منشی اختر

از روز وقوع شورش و عصیان اکراد در ایران تاکنون (جریده حوادث) وقوعات اوایل شورش را که اشقیای بدنهاد غفله بقری و قصبات و دهات تاخته و اماکن بی مستحفظ را ضبط و از قتل و غارت اهالی بی کناه و اطفال معصوم فرو گذاری نمیکردند هر روز بلباسی آراسته و یک مطلب را بچند قالب ریخته در نظر ها حلوه میدهند و از حرکات و حشیانه آنان بمناسبت جنسیت محظوظ گشته برخود میبالد گذشته از آن در ضمن هر نسخه خود بتقریب یک لفظ (محمصورین بایزید) بمیان میآورد که در حقیقت بنده معنی حقیق آن لفظ را و مقصود اصلی نویسنده خرید را از تکرار آن نفهمیدم و نمیدانم آیا مقصود محرر جریده از قهره بایزید قهره اقدامات کار پرداز دولت علیه ایران مقیم ارضروم در باب وسائط تقلیه آذوقه و مهمات جنگ دولت علیه عثمانی در انشای محاربه روس است که دولت روس در این باب از اقدامات کار پرداز مشارالیه بدولت ایران رسماً شکایتها نمود و کاغذها فرستاد و بسیاری از اخبار نامه های اینجا و سایر ممالک نیز این قهره را نوشتند .

یا اینکه جریده میخواهد این قهره را یادآوری نماید که معتبران تجار ایران مقیم طبرستان و ارضروم در مسئله زالله بالظوع و الرغبه اموال تجارتی خودشانرا ریخته مکارها را برای نقل مهمات جنگ بمأمورین عثمانی سپرده بملاحظه جهت جامعه هرگونه خسارت را در این باب بخودشان هموار نمودند سهل است که . تجار مومی الیهم بسیاری اهل طبرستان و تپهای سنگین

جناب دولتمآب درویش پاشا (اولکون) را بحکومت قهره طاع تسلیم نموده وقشون قهره طاع داخل آنجا گردیده و پاشای مشارالیه خودشان باعساکر شاهانه از آنجا عقب کشیده باشقودره برگشته است . در خصوص این مسئله آنچه متعلق بدولت علیه بود تماماً بعمل آورده شد بدیهی است که بعد از این هرگونه وقوعات در آنجا ظاهر بشود راجع بحکومت قهره طاع است امیدواری هست که انشاء الله اشکالات دیگری از این بحر ظاهر نشود .

اخبار نامه های یک اوغلی مینویسند . شب شنبه گذشته یکفرود کشتی یونان که بار آن باروت بوده است ببلکراک در سعادت وارد شده (کاپتان) کشتی مذکور از جانب حکومت سینه توقیف و بار آن ضبط شده است .

روزنامه (وقت) در نسخه سه شنبه قهره را از کازت (خداوند کار) باستغراب نقل میکند و غریب می شمارد که گویا از جانب والی ولایت خداوند کار امر شده است بمصرف (کوتاهیه) که هرگاه موافق دستور العمل پیش و حکم تبلیغات مکرره تخم ملخ را که در محال (عشاق) تابع (کوتاهیه) هست تا یکم هفته محو و تلف نماید از متصرفی معزول خواهد شد !

جهات این استغراب (وقت) معلوم است که یک والی این قسم حکم را در حق یک متصرفی نماید لکن هرگاه بنای استغراب و تعجب از این جبرها باشد هر روز باید دفتری از این مقوله نوشت . خاصه حضرت والی مشارالیه که چند ماه پیشتر کوتک زدن ایشان بر یک طفل هفت ساله ایرانی معلوم است که در کوچه (آب دزدک) بازی میکرد اتفاقاً قطره آبی از آن بچهره والی ترشح کرده حضرت ایشان بفضب درآمده باچو بی که در دست داشته آن طفل بچهاره را انچنان کوتک زد که اگر نمرد و پیری را که خواست توسط و استرحام نماید نیز چند چوب سخت کشید . پس از این تفاسیل کار پرداز ایران مراتب را بسفارت کبرای ایران ببلکراف اطلاع داد سفارت مشارالیه همان تلکرافنامه را باباعالی فرستاده باباعالی تلکرام تعجب آمیز بمحضرت والی مشارالیه فرستاد نمیدانیم چه جواب داد اینقدر که بفاصله چند روز کار پرداز مومی الیه

یاد نمود و مختصری از پساداد او را در باره ملت ارامنه سمت وان وارضروم نوشت که اینها همه از بدیهیات بود اختر هیچوقت نوشت که اعوان شیخ فلان قریه ارامنه را سوختند و نشان نداد که اهالی فلان قریه را کشتند حال آنکه از چند سال باختر طرف است که این مطالب تعدی و مظالم اگر در درمیان دولتها مطرح مذاکره و گفتگو است و تعدیات را که در آن تصفحات اگر اد می کنند اخبار نامهای ارامنه و روزنامه های سمت بک اوغلی مفصل و مشروح مینویسند و مطالبات خودشان را نیز بر آن میافزایند احتمال می رود در شرح و بسط آن مبالغه رفته باشد ولی نمیتوان گفت که همه اینها بی اصل است . مگر شیخ عبیداه همان نیست که بر سر سال بدولت علیه عثمانی نیز عاصی شده تا موصل پیش آمد از جانب خود احکام و قوانین منوشت معلوم است که دولت علیه در خصوص بازداشتن آن از شقاوت چه زحمتها کشید مگر فراموش شده است آنچه اخبار نامها آنوقت در باره او مینوشتند و این خود مطلبی نیست که انکار بشود . در باره علو منزلت شیخ که صاحب جریده مبالغه دارد مانیر وقتی سخن او را طرف تصدیق میدانستیم که شیخ مصدر اینگونه حرکات ناشایست نمیشد . خلاصه این حرکات ناشایست شیخ که در این زمان نازک اقدام نموده سبب قتل بسیاری از مسلمانان بی گناه و تخریب دهات و مساکن آنها گردید خیلی شبیه با اقدامات شیخ نجدی است یحتمل که این شریر خود آن ناپاک یا ثانی اثنین او است .

زیرا مسلمان پاک اعتقاد موجب اینهمه سفک دما مسلمین و تخریب ماوای مؤمنین نمیکرد و میتوان گفت که تقاضای فطرت او همین است .

باری از حرکات عبیداه و اعوان او در گذریم زیرا از درجه شرارت و شقاوت آنان همه کار آگاهان اطلاع دارند ولی آنچه موجب تأسف و تعجب است وضع رفتار و مسلک نویسنده جریده است چیزهایی در این باب مینویسد که هیچ مرد عاقل نمیتواند باور کند که همگی خود تقیض و مطلبها از خود میراشد که همگی خود تقیض بکند بیکر است و باید که تأمل معلوم میشود کاغذهای مذکور را که میکویید از ممالک ایران و یا از تبریز رسیده است در بجا نوشته اند و از بجا رسیده است . و معلوم میگردد کاغذهای مذکور

در دکانهای چاپروشی واقع در (شهرزاده باشی) از جانب چند نفر از مردمان بی کار که همشهریهای محرر جریده هستند تسوید شده با دانه جریده و غیره میرسد جریده خود نیز شاخ و برکی بآن مطالب ساخته قرار داده بعنوان کاغذ از تبریز و یا ایران مینویسد و در اینصورت میتوان گفت که ایران محرر جریده (شهرزاده باشی) و تبریز آن دکان چاپروشیهای معهود است .

خلاصه اشقیای اگر اد آنچه از زمانهای دور در باره بندهکان خدا ظلم و تعدی نموده اند بکفر کردار ناشایست خود رسیده اند و نیز خواهند رسید . اما نقایض بعضی کاغذها را که اینروزها اخبار نامهای این پای تخت بنام اینکه از ایران و کردستان رسیده است در صحایف خود نقل نموده اند یکی یکی نوشته هم در اختر و هم در سایر اخبار نامها اعلان خواهم نمود تا اینکه همه دوست و یگانه بدانند که این کاغذها در بجا نوشته شده است و نویسندگان آنها کیانند و درجه علم و آگاهی صاحبان کاغذ در چه پایه است و مراتب تمیز و تشخیص صاحبان آن اخبار نامها در چه حد و چه پایه .

عجیب است که اخبار نامهای ترکی هیچکدام بنقایض آن کاغذها بر نخورده اند و همگی باصطلاح اینجا (مانند مغربی مال بسته) بتعجیل تمام از دست یکدیگر ربوده ثبت صحایف خود نموده اند حال آنکه عدم ربط مطالب و دروغ و جعلی بودن آنها بی هیچ تأملی معلوم میشود . بدرجه که هرگاه اطفال دبستان بخوانند خواهند دانست که این کاغذها ساخته و جعلی است . اگر چه زحمت کشیده ساخته اند ولی راه استمالش را ندانسته اند .

❖ گفت بابا خوب ورد آو رده ❖

❖ لیک سوراخ دعا کم کرده ❖

امضا

۰۰۵۴

❖ دولتها را از عصیان کردها بهره نیست ❖

بعضی اخبار نامهای اروپ چنانکه در نسخه پیش و همین نسخه نوشته شد در فقره عصیان اگر اد میخواهند انتهاز فرصتی برای ترویج پولیتیک دولت متبوعه خودشان بکنند . یکی

مینویسد دولت روس از خوابیدن قنیه کردها متأسف شد . دیگری میکویید مامورین انکلیس انکشت در این کار میکردند . حتی بعضی هم مامورین سرحدیه دولت علیه عثمانی را بی مدخلیت در این عصیان نمیدانند . بنا بر این ما هم معتقد خود ما را اساسا و فروعا با جلال مینویسیم .

نخست این یکی مسلم است که وضع حاضر این زمان را قیاس بر زمانهای گذشته نمیتوان کرد . قوت و قدرت دولتهای اروپ و موقعی را که ایشان گرفته اند و اندک فرقی که در میان هست معلوم . و منافع مشترکه و خالصه آنان نیز محدود . و رقابت آنان در چند نقطه عمده هم مشهود است .

مع ذلک هیچ وقتی کلیه مقاصد خودشان را پیش نمیرند مگر در هنگام کار و اقتضای که بموقع بوده باشد . راست است دولتهای اروپ خاصه روس و انکلیس در مداخله بکارهای مشرق زمین میخواهند مسابقت باهمدیگر بکنند لکن میدانند امروز وقت تعرض بحال ایران نیست . وقوعات این چند سال اشکالاتی در جلو دول اروپ انداخته است که مدتها باید موازنه این تغییرات آخری که در وضع بعضی قطعات روم ایلی و آناتولی داده شد استقرار پیدا کند حال آنکه حصول این موازنه ظاهرا ممتنع است تا با استقرارش چه رسد . دولت روس بکمال پختگی تخم تسلط و حکمرانی خود را در مغربستان شهر معظم قسطنطنیه پاشید و ساعت بساعت این تخم میروید و بزرگ میشود . دولتهای دیگر در مقابل این حال که بطبیعت خود شده هیچ تدبیر کافی نمی بینند اگر چه گاهی اتفاقات خفیه می کنند گاهی طشمر میرند گاهی تا سلاطین را میکویند باید دولت اوستریا تصاحب نماید . گاهی دولت یونان را میکویند باید قوتی پیدا کند که فردا در مقابل قوت بلغارستان و صربستان و قریه طاع و غیرهم یونان هم قوتی برای طرف مقابل باشد . حال آنکه حقیقت حال آشکار است و این تدابیر در گرفتن جلو مقاصد روس و انکلیس بسیاری قوت است . در حالتیکه دور قریب اتفاق کنند در تحصیل مقصود مشترک و باهم بسازند و اسباب تحصیل مقصود هم آماده باشد تدابیر دیگران که خیلی ضعیف است البته فایده نتواند بخشید . علی هذا نمیتوان گفت امروز خیالات دولتین

خارجیه

(مدنیت در ژاپون)

اخبارنامه (ژاپون) میگوید: با اعتقاد متقدمین حکومتی که به نیکی اداره صاحب شهرت میشد تدابیری را که در باب انقیاد و اطاعت اهالی یکار می برد برای بقا و برقراری نفوذ خود کافی دانسته از انتشار معارف خودداری نموده آگاهی اهالی و تمدن آنها را برخلاف منافع دولتی پنداشته نمیخواستند رعیت بد اثره مدنیت داخل شده از عوالم تمدن و آزادی باخبر باشند. از این قرار معلوم میشود که حکومت آسایش بلاد و امنیت اهالی و تأسیس بنای جمعیت بشر را منوط بدرجه قوت قاهره خود میدانست.

ولی هواخواهان آزادی اینگونه اداره را استبداد پنداشته صواب میدانستند که در وقت کارها و انجام دادن امورات موافق افکار عمومی بعمل آورده شود. وضع اداره دولت ژاپون در خارج این دو وضع اداره بود که در بالا ذکر شد. بجهت اینکه اهالی پیش از این در معارف عقب مانده بودند افکار عمومی را چندان اهمیت داده نمیشد. اکنون بمناسبت اقدامات حکومت در تعمیم و انتشار معارف هم حکومت و هم اهالی بدرجه ترقی کردند که موجب حیرت و تعجب جهانیان گردید. در صورتیکه وضع اداره ز منهای قبیح ژاپون را بنظر بساوریم خواهیم دید که ژاپون در عالم پولیتیک مانند طفل خورده سالی است و این قمر بدرجه واضح است که عدم تصدیق آن محال است. اهالی ژاپون در اطاعت و فرمانبرداری پادشاه خودشان تا بقدم و در جانشانی حکمران خود راسخ دم هستند.

مع ذلک از درجه حقوق ملی و آزادی که در اروپا هست بطور لایق اطلاع حاصل ننموده اند. ولی رغبت و خواهش اهالی بکلی مصروف بر این است که بهمت حکومت بمدارج بلند ترقی و تمدن صعود نمایند.

حال آنکه حکومت این درجه تعمیم معارف را نیز کافی ندیده در باب اینکه اهالی پیش از پیش از لذت مدنیت و ترقی بهره مند بشوند هر روز بوسائل دیگر در نشر معارف اقدامات تازه بکار می برد و هیچ اندیشه نمیکند از اینکه هرگاه اهالی بیلا درجه ترقی و تمدن برسند و پرده جهالت بکلی از پیش نظر آنان برداشته شود احتمال که برخلاف مأمول مانع قوت و پیشرفت نفوذ

این سخن ابلهانه را گوش کند اگر چه پذیرفته هم نشود زیرا که شیخ عبیداه را از روی اغفالات مجموع الکلمه در میان تمامی اکراد میدانند و چنان می پندارند که واقعا در حین حاجت دو بیست و سیصد هزار مرد جنگی در زیر امر و اراده این شیخ تواند بود! افسوس و هزار افسوس که از خانه خود خبر نداریم شیخ چه مطاعت چه سیصد هزار مرد جنگی بجا اینها مانند خیالات چرسیان و بنکیان بنظر می آید! اگر درست دیده شود این عصیان که اتفاق افتاد ماخذ آن نبود مکره رزکی و کرسنکی و شرارت فطری که بعد از قحطی و کرسنکی در سال گذشته چندشیر اتفاق کرده شیخ کراهی را هم برای خودشان رئیس و آمر قرار دادند و مقصودی را از تاخت و تاز و یغماگری بیش بردند. هرگاه دیپلوماتهای قنده نخواهند تمامی کردستان را در سرحد ولتین بقوت قلم و جملیات و کاغذ بازیها بچنان آورده لباس عصیان بر تن اکراد بپوشانند و آنان را مرد میدان کرده بچنان بندکان خدا و رعایای مطیع شکنند در سرحد دولت اسلام ببنده اندازی است دیگر. لکن از پیش نمیرود آخر خود مفسد روسیاه میشود. عجب است که بعد از تمام شدن کار عبیداه حال باز حایت از او میکنند و حکم مفسدین فی الارض را در حق او نمی خواهند جاری بشود کاغذهای ملا عثمان و ملا فلانی را از این جریده بآن جریده نقل میکنند. الاستیک افندی که یکی از بحرین روزنامه (وقت) است در ضمن کاغذ که بنام یکی از معتبرین ایرانیان بدوست خود در طهران ساخته است میگوید (اختر) میخواهد تفرقه در میان گروه اسلام بیندازد. سر رشته بدست اور بآیان میدهد افسوس و هزار افسوس که الاستیک افندی معنی تفرقه و تالیف را هنوز نفهمیده مداخله باین کارهای میکنند (تهو) با اعتقاد خودش تقویر آنگونه محرر میکنند. آری تقویر جای خود را میداند. دولت ایران را بعدالت امر میکنند! بیچاره به بینید چه قدر شورش شده است که الاستیک افندی هم فهمیده است. از آثار عدالت است که بمحمد آدها حقوق را عثمانی در خاک عثمانی را ا کمال کرده بخاک ایران تجاوز میکنند. ای بیچاره تو در شخص خود وجود خودت با صطلاح اینجا از عدالت اثری ظاهر بکن آنکه لفظ عدالت را بی شرمانه بزبان بیا. حرکات و اطوار خودت را با عدالت برسان آنوقت دخل و تصرف بمقولات بکن تو اگر شرم داشته باشی از حد خود تجاوز نمیکنی.

رحم الله امرأه اعرف قدره ولم بعد ظوره

انکلیس و روس مصروف بحال ایران و حدود ایران است. زیرا کارهای بسیار مهم در پیش دارند اگر چه نمیتوان گفت آینده ایران از مداخلات بیکانکن مصون خواهد بود. فقط امروز وضع مشرقستان اروپا که صفحات روم ایلی تا شهر معظم قسطنطنیه است جولانگاه ملاحظات پولیتیکی دولتهای بزرگ میباشد و تا استقراری در این وضع حاصل نشود واطمینانی از آینده این کار حاصل نکنند اروپا را آرامی نخواهد بود. و این مطلب از مسلمات امور و از قضایای است که قیاساتش همراه است.

اما فقره اکراد سرحد ایران و عصیان آنها. اولاً از این کار هیچ کدام از دولتها خشنودی نخواهند داشت و از خوابیدن قنده همه محظوظ خواهند بود. (مگر بعضی محررین اخبار نامهای اسلامبول) و ثانیاً هیچ منفعتی از امتداد این عصیان بمقاصد یکی از همسایگان و دیگران حاصل نخواهد شد. اگر بهانه جویی دولت روس گفته شود حرفی است بی معنی. چه هر وقت دولت روس میخواهد محدود ایران و ارمنستان مداخله نماید بهانههای آماده و آب کرده در آنجا حاضر است هیچ نباشد حکایت (بره و کرک) را میدانیم بهانه در دست توانایان قحطی ندارد. ما باید فکر خود ما را بکنیم و باین اغفالات کول نخوریم دولت انکلیس هم از این اغتشاش حدود چشم داشت نمری تواند داشت. و خصوصاً دولت علیه عثمانی هم که بهیچ وجه اعتقاد نمیتوان کرد راضی بشود اکراد بدولت متبوعه خود در جولانگاه نظر اروپا شورش بر پا کند و مشغله پیش بیاورد و باعث تفاق و شقاق در نقطه سرحد که محل التصاق حدود دولتین است بشود. حال آنکه اگر فی المثل کردها کاری از پیش ببرند ناچار دولت روس پای پیش گذاشته کردها و تقویت کنندگان آنان را جواب تواند داد. پس در هر حال باور نداریم یکی از عقلا اعتقاد نماید که دولتهای همسایه یاد بکران در این عصیان از روی حقیقت دانی انکشت افساد داشته باشد. مع ذلک بطور قطعی نمیتوان گفت بعضی مأمورین عثمانی که آگاه از مال کاریستند در سرحد با اکراد همخوی شده اند بملاحظه منافع شخصی همراهی با خیالات آنان نمایند و دولت را هم بخواهند اغفال کنند که وجود مثل شیخ عبیداه و امثال او بنام ریاست اکراد از برای آینده در سرحد بسیار لازم است و دور نیست که با بعالی هم تایلکدرجه

حکومت باشند . بنابراین از اقدامات دولت ژاپون در انتشار معارف معلوم میشود و قتی که اهالی در اکتساب معارف و علم و آگاهی بدرجه مطلوب رسیدند و بداره خودشان مقتدر گردیدند و از معنی حقیقی آزادی اطلاع کامل حاصل نمودند آنوقت دولت ژاپون بخواهش و آرزوی اهالی که در باب توسعه دائره آزادی نمایند بکمال خشنودی موافقت خواهد نمود .

هرگاه درجه خواهش و آرزوی ملت که میخواهند رشته اداره خودشانرا بدست لیاقت خود بگیرند به نسبت ترقی آنان قیاس بشود معلوم خواهد شد که اهالی ژاپون از اهالی اروپا بیشتر ترقی نموده اند .

مثلاً مطبعه (چاپ و قووان) رساله (باقل) را که بعنوان تاریخ مدنیت است ترجمه و طبع و نشر نمود . حکومت ژاپون هم تاریخ اختلال فرانسه را دستور العمل داد که بلفظ ژاپون ترجمه و طبع و نشر نمایند . حال آنکه حکومت میتواند طبع و نشر هر گونه رسائل را که موجب تشویش اذهان اهالی تواند بود با اقدامات جزوی از طبع و نشر شدن غدغن نماید .

ولی بالعکس حکومت ژاپون طبع و نشر اینگونه رسائل را غدغن نمود سهل است بملاحظه اینکه قیمت رسائل مذکوره نوعی ارزان و مناسب باشد که عموم اهالی استطاعت خرید و مطالعه آنرا داشته باشند طبع و نشر او را خود در عهده گرفت .

اقدامات بی دریغی حکومت را که در باب ترقی و توسعه قوه مدرکه اهالی بکار می برد بکمال تعجب تحسین و از تشکر و سپاسداری حکومت در این باب بوجهی خود داری نمیتوانیم نمود . حتی حکومت همه ولایه و مامورین بطور رسمی اطلاع داده است که هر وقت ترقی و تمدن اهالی بدرجه مطلوب برسد وضع اداره حکومت مشروطه را اعلان خواهد نمود . این است که بدرجه ترقی مدنیت در ولایتهای محکمه های عدلیه و مجالس حقوق تاسیس شده حکومت بوعده خود وفا میکند . و چنین اعتقاد میشود که غدغن نمودن فقره عقد انجمن مشورت اهالی با مطبوعات یکی برخلاف قواهد آزادی است ولی در صورتیکه حقیقت مسئله بنظر دقت ملاحظه شود معلوم

خواهد کردید که مقصود اصلی حکومت از تاسیس این غدغن این بود جلوه تعرض کسانیکه بر ضد این حرکات عادلانه دولت که در باب آزادی رعیت پیشنهاد خود نموده است گرفته شود .

بنابراین باینکه نیکی نیت حکومت از تاسیس نظام این غدغن ظاهر است از نتایج بدان سخن گفتن بی جا است . زیرا دولت ژاپون در راه ترقی معارف و مدنیت بطور جدی اقدامات بکار برده و اهالی را از نعمت ترقی و تمدن فوق العاده بهره مند نموده است .

امیدواریم که دولت در پیشرفت این وضع حاضر برقرار بوده چنانکه خود از نخست این وضع را اساس نهاده است در نزدیکی از نتایج خوب آن سود مند بشود . چون اهالی در باب معارف و تمدن بمناسبت اهتمامات و اقدامات دولت از چند سال باینطرف خیلی ترقی نموده است لهذا هرگاه حکومت پس از این مسلك خود را تغییر بدهد نیز نتیجه ناکواری از آن دیده نخواهد شد .

(وقت)

اخبارنامه (دیلی تلگراف) بموجب کاغذ پترسبورگ میگوید .

از جانب دولت ایران تدابیر سریع و مؤثری را که در باب رفع عصیان اکراد بکار برده شد در پترسبورگ موجب تعجب روسها گردید . دولت روس که از چندین باینطرف منتظر چنین وسیله بود که در حدود ایران بنای مداخله بگذارد از گرفته شدن جلوائن عصیان متأسف گردید .

دولت ایران دولت روس را که تکلیف معاونت در این باب نموده بود بطور بسیار ظریفانه جواب رد داد . این فقره عصیان و شورش اکراد تنها یک پرده از بازیهای روس است که برای حدود ایران آماده داشته است . در هر حال چون عصیان اکراد در ایران نزدیک بختام است و اهمیت این شورش و اشکالات آن از میان برداشته میشود لهذا مامورین روس بجهتجوی اشکالات دیگر می پردازند . از برای اینکه دولت ایران اخراج برنج و سایر محصولات را از ممالک خود بخارج غدغن نموده است مامورین روس

این مطلب را سر رشته نموده اردولت ایران شکایت میکنند .

گذشته از آن مامورین کرک ایران را بنصب اموال تبعه روس متهم داشته میگویند هرگاه تبعه روس در نگاهداری اموال و حقوق خود ایستادگی نماید در مقابل آن مامورین کرک هم حقارت و بد رفتاری میکنند .

خلاصه دولت روس در حدود ایران با لقا اشکالات کوشش میکند که بدانوسیله راه مداخله پیدا بکند . اینروزها بتواتر میگویند دولت روس بمناسبت بد رفتاری مامورین کرک ایران باتبعه روس کاغذی بدر بارطهران خواهد فرستاد .

بعضی از مامورین روس که برای تحقیق و تفتیش بایالات روس فرستاده شده بودند در بعض جاها پاره اختلاسات عمده پیدا کرده اند . از جمله در یکی از ایالات از صندوق حکومت معادل یکصد و پنجاه هزار منات از کاغذهای دیوانی بسرقت رفته است .

در دفتار کرک توتون نیز تغلب ظاهر شده است . مامورین کرک اهل دهات را در معاملات کرک مشبه نموده رسم کرک را از آنان بیشتر از قرار داد معین می گرفته اند .

و همچنین مامورین پوست نیز در ظرف یکسال بقدر پانصد بسته امانت و اشیاء گران بها و نقود اهالی را که از جای بجای میفرستادند تغلب از میان برده اند .

از چندین باینطرف در پترسبورگ کومیسونی برای ترتیب دادن نظامنامه مطبوعات منعقد شده است . در اجتماع دیروزی کومیسئون مذکور (مسیو قراوسکی) مدیر اخبارنامه (کلس) از جانب سایر اخبارنامهها بطور وکالت بکومیسئون مذکور فرستاده شده است . مومی الیه حسب الوکاله در کومیسسیون بیان رای نموده اظهار داشته است که این وضع مستبدانه باید متروک شده پس از این مقصرین مطبوعات در حضور محکمه بطور علنی محاکمه بشود و نیز خواهش نموده است که لایحه نظامنامه مطبوعات را پیش از آنکه بحکومت تقدیم نمایند بصاحبان اخبار ناسبا داده شود که آنان نیز مطالعات خودشانرا درباره نظامنامه مذکور بیان نمایند .

اخبارنامه‌های روس می‌نویسند . از جانب اعلا حضرت امپراتور روس بکونت (جنرال لورس ملکوف) وزیر داخلیه دولت مشارالیه دستور العمل رسیده است که سر یعابه (لیوادی) عزیمت نماید .

اعلا حضرت امپراتور روس حسب الخواهش و التماس (جنرال لورس ملکوف) وزیر داخلیه گرفته شدن بده نمک را از ممالک روس برداشته است . از بده نمک هر سال هفده ملیون منات حاصل میشده است .

اخبارنامه استانبول بموجب کاغذ وقایع نکار خود از طهران که بتاریخ ۲۴ ماه تشرین اول فرنگی (مطابق ۲۰ دی قعده) نوشته است میگوید .

در کاغذ گذشته بشما نوشته بودیم که دوری جناب سپهسالار اعظم از پای تخت ایران محسوس خواهد شد ولی خود بقوت قلب کما کن میگردم که آثار این بیانات من بزودی مشاهده و این معروضات مقرون بصحت گردد . لهذا بمناسبت عصیان اکراد دولت ایران را اشکالات بزرگ پیش آمده که برداشته شدن این اشکالات منوط بودن یک شخص با کفایت کار آگاه بودی و آنگونه اشخاص نیز در ایران کم یافت میشود . این است که اعلا حضرت پادشاه ایران جناب میرزا حسین خانرا که دارای این مراتب میدانست بتلکراف مأمور بولایت آذربایجان و تسکین قته و شورش و تادیب و تربیت اکراد نمود . زیرا علاوه بر شورش اکراد بمناسبت قحط و غلا ظهور اختلال در تبریز نیز ملحوظ بود چون قسمت کالی آذوقه و محصولات آنصناعات را بعضی از اکابر و اعیان شهر از راه نامردمی و بی انصافی منحصر بخودشان نموده باوجود کثرت و وفرت آذوقه برای منفعت شخصی سبب ظهور قحط و غلا و موجب هلاکت و پریشانی بندکان خدا میکردند باری بعد از سه روز که جناب سپهسالار وارد تبریز شدند از تدابیر مؤثر ایشان نا ن که یکمن بیکفران مزین داشت به نیم قران تنزل نمود .

پس از آن جناب مشارالیه بقدر یکه میتوانست

از تبریز لشکر جمع آوری نموده بعزم تادیب اکراد بموقع شورش عزیمت نموده در یک بیابانی (۱) علی الغله بقلبکاه جمعیت بزری از اکراد یورش برده آنانرا شکست داده است اکراد بقدر هزار و پانصد نفر تلفات داده بقیه السیف فراری شده اند .

اینگونه اقدامات و غلبات جناب معظم الیه در نزد اهالی تبریز بدرجه موجب مسرت و خشنودی گردیده است که بتقریر نمیکنیم . و جناب مشارالیه پس از این غلبه مراتب را بواسطه تلکراف باعلا حضرت پادشاه ایران عرضه داشت نموده موجب محظوظیت پادشاهی شده مسند جلیل سپهسالاری را دوباره بایشان محول و بواسطه یکی از اجودان (یاور) های حضور همایون یک قبضه شمشیر مرصع نیز بجناب مشارالیه احسان و ارسال فرموده بر افتخار و مباهات مشارالیه افزود اند .

اینک جناب سپهسالار اعظم بجهت غیرت و کار آگاهی و حسن خدمات خود دوباره مظهر حسن توجه شاهانه شده اند .

هرگاه از وضع شورش اکراد خواسته باشید اگر چه پس از این شکست شیره جعیت آنان کسینجه و متفرق گردیده جلو استیلای آنان گرفته شده است ولی آتش عصیان آنها بکلی فرونشسته است . در آغاز شورش جعیت اشقیای سه دسته منقسم شده اول بسمت تبریز و قسمت دوم در میان مراغه و ساوجبلاغ پهن شده . دسته سوم در زیر ریاست خود شیخ عبیده بمحاصره (ارومیه) اقدام نموده اند .

اکراد در هر جا مظالم فوق العاده بکار برده از خیانت و شقاوت هیچ فرو نکذاشته اند از جمله در قصبه (میاندواب) خیلی بداد و وحشیگری نموده اند .

در هر حال جمعیت عاصیان روی بر ازدیاد است خیلی از اهالی مطبوعه کردستان از نزدیک شدن عاصیان فرار نموده برخی نیز بآنان ملحق شده اند . بموجب خبرهای موثق آنچه از اشقیای اکراد

(۱) مأموریت جناب سپهسالار اعظم در ماه ذی حجه اتفاق افتاده است کوماندان ایران که در این جنگ ذکر شده جناب اعتماد السلطنه بوده است .

تاکنون داخل عرصه جنگ و شقاوت شده اند زیاده بر بیست هزار نفر است که اسلحه خوب و مکمل نیز دارند ولی مقدار حقیقی عاصیان زیاده بر چهل هزار نفر است .

اعلا حضرت پادشاه ایران بموجب تلکراف از دولت علیه عثمانی خواهش نموده اند که حدود خودشان را بقاءت عساکر مضبوط داشته فراریانرا نکذارند داخل در خاک عثمانی بشود ولی تاکنون جواب این قهره معلوم نیست .

بتواتر میگویند از جانب دولت روس در باب تادیب اکراد بدولت ایران تکلیف معاونت کرده شده است ولی معلوم است که دولت روس را از این تکلیف مقصود پنهانی در نظر هست که این تکلیف در حقیقت بکار دولت ایران بر نمیخورد .

جناب فخری یک افندی سفیر کبیر دولت علیه عثمانی اینروزها باجناب وزیر خارجه ایران پی در پی ملاقات میکنند چون سفیر مشارالیه در ایران حسن توجه عمومی را در باره خود حاصل نموده است احتمال هست که اقدامات ایشان در اینباب در نزد دربار ایران مؤثر بشود .

بنابر این امیدواری هست که مسئله مذکور در میان دولتین علینتی نوعی از میان برداشته شود که موجب خشنودی طرفین گردد .

اخبارنامه (دلی تلکراف) مقاله در باب حرکات عسکری دولت روس که بر ضد ترکمانان اقدام نموده است نوشته از نتایج نا کوار آن یاد آوری نموده بود اینک ترجمه مقاله مذکور عینا در ذیل می نکریم .

دولت روس از چهل و پنج سال باینطرف است که در سمت ترکستان ممالک خوانین نشین آنجا را بتدریج استیلا نموده سال بسال حدود خود را وسعت داده تا اینکه ممالک بخارا و سمرقند و خوقند را نیز ضبط کرده اکنون بنام تربیت و تادیب ترکمانان بادولت ایران اتفاق نموده برای ضبط آنجاها بحرکات عسکری اقدام نموده است .

در هنکامیکه (لورد بیکونسفیلد) سمت ریاست وزرای انگلستانرا داشت سبب این حرکات

مسکری دولت روس را در سمت آسیای میانی از دربار روس پرسیده و ابضاحات خواسته بود که دولت مشارالیه در آنصفحات تا بجای پیش خواهد رفت . در مقابل این سؤال لورد مشارالیه در بار روس آنوقت پاره تائیمات موقت داده و حدود حرکات لشکری را نیز تا یکدرجه معین نموده بود . ولی پس از آنکه (مسیو کلاستون) ریاست وزرای انگلستان انتخاب کردید دولت روس از حرکات دوستانه رئیس مشارالیه که همواره در باره دولت روس اظهار میکند خاطر جمعی حاصل نموده با طمینان هوا خواهی کلاستون (جنرال اسکوبلف) را که در ترکستان سمت کوماندانی روس را دارد بواسطه تلگراف دستور العمل داده بودند که پیشتر حرکت نماید و اخبار نکارما از پترسبورگ نیز این مراتب را بما اطلاع داده بود : گذشته از اینها قرقه انتخاب عبدالرحمن خان بامارت افغانستان سبب مستقل و واسطه عمده برای ترویج مقاصد روس در آنصفحات گردید که تفصیل آن ذیل بیان خواهد شد . چنانکه بتواتر رسیده است از جانب دولت روس بعضی مامورهای بطور پنهانی نزد عبدالرحمن خان رفته است و خان مشارالیه را پیوسته بادر بار روس خفیه مخبرات دارد . تمایل عبدالرحمن خان بدولت روس تنها از یک جهت بنظر می آید و آنهم قرقه هرات است میخواهد بیاری روس آتجارا بحیطه تصرف خود بیاورد . در اینباب دولت روس هم هرگونه جانفشانی را برخود هموار نموده است و درجه این اقدامات و جانفشانیهای روس نیز از آماده نمودن تدارکات بسیار و مهمات و مخارج بی شمار برای ضبط آنجا معلوم میشود .

اخبار نامهایی را که از توار مخ مختلفه تاکنون از وضع پولیتیک روس سخن میگویند آیا مسیو کلاستون هیچ مطالعه نمیکند ؟ هرگاه مطالعه میکرد باین شدت هواخواهی از پولیتیک روس نمی نمود .

مقصود اصلی دولت روس از حرکات مسکری در سمت آسیای میانی تنها عبارت از ضبط و تصرف هرات است که پس از استیلای آنجا از راه هرات عزم تسخیر هندوستان خواهد نمود که آنوقت ممانعت دولت روس یا اقدامات پولیتیکی

و عهود و میثاقی محال است مگر بقوت اسلحه که این یکی هم بمناسبت دوری مرکز برای دولت انگلیس موجب اشکالات بزرگ خواهد بود نمیدانم مسیو کلاستون درجه این اشکالات را نمی فهمد و یا اینکه دانسته و فهمیده تجاهل میورزد .

برای اصلاح این وضع چاره منحصر بر این است که این مسائل بکلی بمعده اداره هندوستان محول گردد که حکومت هند بتدریج اقوام مختلفه را که باماهمسایه هستند بهر وسیله که ممکن است بمارام نماید . حال آنکه پولیتیک امروزی در بار انگلستان با اجرای این تدبیر هم غیر مساعد است .

چونکه برای هجوم روس به هندوستان تنها یک راهی هست آنهم عبارت از مملکت افغانستان است . ولی حیف که ما انگلیس ها بآن ممالک نیز عداوت ورزیده بای جنگ گذاشتیم و پس از جنگ و زحمتی بی شمار امیری را که برای آنجا انتخاب نمودیم پیشتر از انگلیس هواخواه روس است بدرجه که میتوان گفت امیری است که از جانب دولت روس بامارت افغانستان گماشته شده است .

علاوه بر همه اینها یکی از اهالی هندوستان پیشتر کاغذی نوشته باخبرنامه (رپوبلیک دوپه نیون) فرستاده بود . در کاغذ مذکور ضمن تفصیل مطالبی را که از جانب اداره هندوستان درباره تبعه مسلم و غیر مسلم آنجا بکار برده میشود یکن یکن شمرده ناخشنودی اهالی هندوستان را از اداره انگلستان بایما و اشاره و کنایه اظهار نموده است . حال آنکه یک بختی و ثروت دولت انگلیس عمده از دولت مستملکات خارجه انگلستان است و خصوصاً هندوستان که از وسیع و معتبرترین مستملکات انگلیس است و تجارت هندوستان با انگلستان روز بروز در ترقی و زیادت است . در صورتیکه دولت روس بر آنجا استیلا یابد بدین است که مانع این تجارت خواهد شد . پس ما را لازم و بل واجب است که توسیع حدود روس را در آسمان مانع شویم و ننگذاریم که بیش از این پیش آید .

پیشتر (مستر استورٹ) از اعضای مجلس

پارلمنت در شهر بر (یستل) خطابه خوانده ضمناً از پولیتیک هیئت حاضر وزرای انگلستان سخن بیان آورده اظهار داشته بود که . پولیتیک هیئت در بار که در زیر ریاست مسیو کلاستون است بکلی برخلاف منافع انگلستان است پس از آن از پولیتیک روس که در سمت آسیای میانی پیش گرفته است یاد آوری نموده گفته بود که . بعضی وقایع نکار ان اخبار نامها از پترسبورگ بطور پنهانی مینویسند که . (اینروزها در پترسبورگ ورود خبر غلبه کاملی را از جانب (جنرال اسکوبلف) بر کابان انتظار کشیده میشود)

(باقی دارد)

تصحیح و اعتذار

در نسخهای گذشته در تاریخ ماه فرنی بجای ماه (نوامبر) سهواً (اکتوبر) نوشته شده است لهذا بتصحیح آن از حضرات مطالعه کنندگان عذر میخواهیم .

اعلان

(دکتر دادار یان) طبیب که در فن طبابت خاصه در مداوات ناخوشیهای (سوزناک) و (فرنی) بهره کافی دارد در چارشوی (شرق) که در (قنجا بیلر یوقوشی) متصل بخانه رضاشاهی مرحوم تازه ساخته شده است در اطاق شماره ۳۹ هر روز از ساعت هفت تاده رجوع کنندگانرا پذیرفته هرگونه ناخوشیها را خصوصاً معلولین سوزناک و فرنی و کسانی که درممانه و بولکاه آنان سنگ منجمد شده باشد مداوات میکند . دکتر مومی الیه را هر روز طرف صبح و مغرب و نیز روزهای یکشنبه در خانه خودش که در یک اوغلی در کوچه تقسیم بشماره ۲۱ واقع است رجوع کنندگان توانند دید .

طاهر